

هوگو چاوس

نوشته Ignacio Ramonet **

شمار کمی از حکمرانان دردناک به اندازه آقای هوگو چاوس رئیس جمهوری ونزوئلا، هدف کارزار تخریبی تا این حد کینه توزانه قرار گرفته اند. دشمنان وی در استفاده از هیچ وسیله ای تردید نکرده اند: کودتا، سازماندهی اعتصاب در صنعت نفت، فرار دادن سرمایه ها، اقدام به سوء قصد، ... در امریکای لاتین، چنین ستیزه جونی و عنادی از زمان حملات واشینگتن علیه آقای فیدل کاسترو تاکنون دیده نشده بود. پیش پا افتاده ترین افتراها توسط مراکز جدید تبلیغات و شایعه سازی مانند ناشنال اندومننت فورد مکرسی، فریدم هاوس و غیره که از لحاظ مالی توسط دولت پرزیدنت ایالات متحده جرج دبلیو بوش پشتیبانی می شود درباره آقای چاوس پخش می گردد. این دستگاه اتهام زنی که دارای امکانات مالی نامحدود است، مراکز رسانه ای (از جمله نشریات مرجع) و سازمان های دفاع از حقوق بشر را که به نوبه خود در خدمت مقاصد تاریک و مرموز قرار می گیرند، بازی می دهد. و گاه نیز اتفاق می افتد (این دیگر ورشکستگی سوسیالیسم است) که صدای چپ سوسیال دموکرات نیز به این گروه همسرایان افترا زنی، بپیوندد.

برگردان :

Mohammad ZAHEDI محمد زاهدی

چرا این همه کینه ؟ در زمانی که سوسیال دموکراسی در اروپا با یک بحران هویت رو به روست، به نظری رسد که شرایط تاریخی مسئولیت رهبری باز آفرینی چپ را در مقیاس بین المللی به آقای چاوس واگذار کرده باشد. در حالی که در قاره کهن ساختمان اروپا هر نوع جایگزینی (آلترناتیو) را برای نولیبرالیسم غیر ممکن کرده است، در برزیل، آرژانتین، بولیوی و اکوادور، تجربه هائی که امید آزاد سازی فرودست ترین افراد جامعه را زنده نگه می دارد، با الهام گیری از نمونه ونزوئلا، به مرحله اجرا در می آید.

از این نقطه نظر، کارنامه آقای چاوس چشمگیر است. و بنابراین قابل درک است که در ده ها کشور فقیر، وی به مرجعی گریزناپذیر تبدیل شده باشد. آیا او، در عین احترام و سواست گونه به دموکراسی و آزادی ها (۱)، ملت ونزوئلا را بر شالوده ای نوین - که توسط قانون اساسی جدیدی که مداخله مردمی را در تغییرات اجتماعی تضمین می کند مشروعیت یافته - دوباره بنیاد نهاده است ؟ آیا به قریب پنج میلیون حاشیه نشین شهری بدون مدارک شناسایی (از جمله بومیان سرخ پوست)، حیثیت و شرف شهروند بودنشان را بازگردانده است ؟ آیا کمپانی نفت پترونوس را که یک شرکت سهامی بود دوباره در دست نگرفته است ؟ آیا مهم ترین شرکت مخابرات کشور را از چنگ بخش خصوصی رها نکرده و در خدمت عموم قرار نداده است ؟ و به همان صورت کمپانی برق کاراکاس را ؟ آیا میدین نفت خیز اورنوگونه را ملی نکرده است ؟ و سرانجام آیا بخشی از درآمد نفت را برای به دست آوردن خودمختاری عملی در برابر نهادهای مالی بین المللی و بخش دیگر آن را برای سرمایه گذاری در برنامه های اجتماعی صرف نکرده است ؟

بیش از سه میلیون هکتار زمین کشاورزی بین روستائیان توزیع شده است. میلیون ها بزرگسال و کودک باسواد شده اند. هزاران درمانگاه در محله های مردمی احداث شده است. ده ها هزار نفر از مردم فاقد امکانات مالی که به بیماری های چشمی مبتلا گردیده بودند به گونه ای رایگان مداوا شده اند. به فرآورده های خوراکی پایه ای، از طرف دولت یارانه تعلق می گیرد و به اقشار آسیب پذیر با بهانی ارانه می شود که ۲۴ درصد از بهای بازار ارزان تر است. مدت زمان کار در هفته از ۴۴ ساعت به ۳۶ ساعت کاهش یافته در حالی که حداقل دستمزد به ۲۰۴ یورو در ماه - که بالاترین مقدار در امریکای لاتین، به استثنای کاستاریکا است - افزایش یافته است.

نتیجه تمام این تصمیمات به قرار زیر است : بین سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵، فقر از ۲/۸ درصد به ۳۷/۹ درصد (۲) کاهش یافته است. در حالی که نسبت درصد آن بخش از اهالی که در چارچوب اقتصاد غیر رسمی زندگی شان را می گذرانند، از ۵۴ به ۴۰ سقوط کرده است. در پرتو این پس رفت فقر، طی این سه سال اخیر، میانگین رشد اقتصادی

امکان یافته به ۱۲ درصد در سال برسد - که جزو بالاترین نرخ های رشد در دنیا است- با احتساب این که نرخ مصرف با افزایش ۱۸ درصدی (۳) در سال محرک آن نیز می باشد.

در برابر چنین کارنامه ای، تازه با نادیده گرفتن دست آوردهای سیاسی بین المللی، آیا می باید از این که پرزیدنت هوگو چاوس برای ارباب های دنیا و نوچه هایشان مردی است که باید از پای در آورده شود، شگفت زده شویم؟

پا نویس ها

۱ (شایعات پخش شده درباره رادیو کاراکاس تلویزیون مورد تکذیب قرار گرفته است. این ایستگاه از روز ۱۶ ژوئیه امسال برنامه های خود را توسط کابل و از طریق ماهواره از سر گرفته است.

۲ (مرکز پژوهش اقتصادی و سیاسی ، واشینگتن دی سی، ماه مه ۲۰۰۶ در مقاله **Poverty rates in Venezuela, getting numbers right** :

۳ (بیزنس ویک، نیویورک ۲۱ ژوئن ۲۰۰۷

**** نویسنده Ignacio Ramonet**

ایناسیو رامونه، استاد تئوری ارتباطات در دانشگاههای پاریس، از سالهای ۱۹۸۰ به فعالیت روزنامه نگاری پرداخته است. در کشاکش جنگ خلیج فارس مسئولیت ماهنامه لوموند دیپلماتیک را بعهده گرفت و این نشریه را به یکی از ارگانهای مبارزه علیه نئولیبرالیسم و پدیده های مضر اجتماعی-سیاسی آن تبدیل کرد. جنبش ضد جهانی شدن لیبرالی ATTAC به دنبال فراخوانی از او شکل گرفت. آخرین کتاب وی " جنگهای قرن بیست و یکم" نام دارد که به تازگی منتشر شده است.